

جان سِرل

راز آگاهی

ترجمه‌ی

رضا امیررحیمی



فهرست

- یادداشت مترجم ۷
- پیش‌گفتار ۹
- فصل یکم: آگاهی به‌عنوان یک مسئله زیست‌شناختی ۱۵
- فصل دوم: فرانسویس کریک، مسئله پیوند، و فرضیهٔ چهل‌هرتز ۳۳
- فصل سوم: جرالِد اِدِلْمَن و نقشه‌برداری بازگشتی ۴۹
- فصل چهارم: راجر پنروز، گُرت گودِل، و استخوان‌بندی سلولی ۶۳
- پیوست: اثبات گودِل و کامپیوترها ۹۶
- فصل پنجم: انکار آگاهی: روایت دانیل دِنِت ۱۰۱
- پیوست: تبادل نظر با دانیل دِنِت ۱۱۹
- فصل ششم: دیوید چالمرز و ذهن آگاه ۱۳۷
- پیوست: تبادل نظر با دیوید چالمرز ۱۶۵
- فصل هفتم: ایزرائل روزنفیلد، تصویر بدن و خویشتن ۱۷۹
- نتیجه‌گیری: راز آگاهی را چه گونه به مسئله آگاهی تبدیل کنیم ۱۸۷
- پیوست: «راز آگاهی ادامه دارد» ۲۱۳
- واژه‌نامه ۲۲۹

یادداشت مترجم

کتاب *راز آگاهی* اثر جان سرل فیلسوف آمریکایی در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. در بیش از دو دهه پرشتابی که از انتشار این کتاب گذشته، گام‌های غول‌آسایی در زمینه پژوهش مغز، مسئله ذهن-بدن، موضوع آگاهی-خویشتن... برداشته شده و در نتیجه، فلسفه ذهن در کانون توجه فیلسوفان قرار گرفته است. در این برهه، سرل چندین کتاب دیگر فلسفی منتشر کرده و نظراتش درباره فلسفه ذهن را مستقیم‌تر و روشن‌تر توضیح داده است.

اما *راز آگاهی*، از یک نظر هنوز اهمیت خود را حفظ کرده است. بی‌جهت نیست که آنتونیو داماسیو در آخرین کتاب خود، *خویشتن به ذهن می‌آید* (۲۰۱۱) به این کتاب چنین اشاره می‌کند: «برای آشنایی با برداشت معاصر از اهمیت ذهنیت از نظر فلسفه کتاب *راز آگاهی* نوشته‌ی جان سرل را مطالعه کنید.» (*خویشتن به ذهن می‌آید*، ص ۲۶).

اهمیت این کتاب در تصویر روشنی است که از نگرش‌های مطرح در حوزه فلسفه ذهن و آگاهی به دست می‌دهد. شاید در این فاصله برخی از این نگرش‌ها به حاشیه رانده شده و برخی در مرکز توجه قرار گرفته باشند، اما همه آن‌ها کماکان تأثیرگذارند، و آشنایی با آن‌ها ضروری است.

در سال ۱۹۹۴، آنتونیو داماسیو، که در آن زمان عصب‌پژوه ناشناخته‌ای

بود، کتاب *خطای دکارت* را منتشر کرد. در سال‌های بعد با انتشار احساس آن چه اتفاق می‌افتد، در جست‌وجوی اسپینوزا، و سرانجام خویشتن به ذهن می‌آید بدل به نقش آفرینی برجسته و تأثیرگذار شد. ریشه‌های فکری او به فلسفه قاره‌ای و به خصوص اسپینوزا برمی‌گردد و می‌توان گفت او جریان فکری تازه‌ای را به صحنه آورده است. در کتاب *راز آگاهی* طبعاً اشاره‌ای به او نیست. از این جهت با افزودن ترجمه بررسی و نقدی که سرل بر آخرین کتاب داماسیو نوشته، به صورت یک پیوست، تلاش کرده‌ام، به تعبیری، کتاب سرل را به روز کنم.

رضا امیررحیمی

پیش‌گفتار

به خاطر پژوهش درباره آگاهی، این برهه از زندگی فکری‌ام از همیشه هیجان‌انگیزتر و ناامیدکننده‌تر است: هیجان‌انگیز به این دلیل که آگاهی، در مقام موضوعی برای پژوهش در فلسفه، روان‌شناسی، علم شناخت، و حتی علم اعصاب، بار دیگر مکان شایسته، و در واقع محوری، خود را باز یافته است؛ ناامیدکننده به این دلیل که کل موضوع کماکان گرفتار اشتباهات و خطاهایی است که تصور می‌کردم مدت‌هاست آشکار شده‌اند.

آثاری که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند نمایانگر آن هیجان و برخی خطاها هستند، مبتنی بر مجموعه مقالاتی که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ در *نقد کتاب نیویورک*^۱ منتشر کردم. زمانی که در این میان بود، و دامنه گسترده‌تر کتاب، این امکان را برای من فراهم کرد که برخی از آن مقاله‌ها را بسط دهم، در آن‌ها تجدید نظر کنم و تلاش کنم کل بحث را یکدست کنم.

وقتی از جایگاه بالاتر به مجادله‌هایی که وجود داشت — و کماکان ادامه دارد — به مطالبی می‌نگرم که درباره موضوعات مورد بحث در فصل‌های این کتاب‌اند، به نظرم می‌رسد که بزرگ‌ترین و یگانه مانع فلسفی در راه رسیدن

1. *The New York Review of Books*